



بجای دو گفتار رادجی

● لایلا رضایی

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی

در دنیای اساطیر گذشته، انسان تخیلاتی را در سر می-پرورنید که در امتداد رؤیای باشکوه تسلط بر جهان و غلبه بر محدودیت‌های زمان و مکان و توانمندی‌های محدود بشری وی بود. این رؤیاها همواره در ذهن و جان آدمیان ماند و با رشد مداوم آگاهی در او به آهستگی و به تدریج در برخی موارد به مرحله فعلیت رسید. چنانکه امروزه انسان بر بخش بزرگی از طبیعت و دنیای بی‌جان آن غالب آمده و رؤیاهای او با واقعیت گره خورده‌اند. امروزه دیگر با در دست داشتن تلفن همراه یا دسترس به اینترنت هیچ زالی حتی نیازمند سیم‌رغی نیست تا با آتش زدن پر، او را قادر اتواند و پاسخ پرسش‌های دشوار را از او طلب کند.

دنیای امروز دنیای اطلاعات، دنیای اخبار و دنیای دانستی-های تازه است. به همان نسبت که جوامع به پیش می‌روند انسان امروزی در محاصره بیشتر و تنگ‌تر زندگی مدرن قرار می‌گیرد که هر گوشه‌ای از آن بخشی از وجود او را با خود همراه می‌کند و «تمرکز» وی را از او می‌گیرد. به این ترتیب انسان امروزی با

از زمانی که خواب خوش و آرام دشت‌ها و چمنزاران با نغمه سوت قطارها و غرش اتم‌بیل‌ها در هم شکست و بهینه آبی آسمان که از دیرباز گنجینه رازهای نگشودنی آفریدگار بود میزبان بال‌های پرنده‌های آهنین بال گشت، جهان و جهانیان در مسیری تازه، دنیای نوظهوری را به تجربه نشستند. دنیای سراپا متفاوت از آنچه تاکنون دیده، دریافته و لمس کرده بودند. هرچه کاروان تاریخ به پیش می‌رفت و مدرنیسم بیشتر از گذشته حاکم می‌شود و اجرای عرصه هستی می‌شد، این تفاوت‌ها پیش از پیش خود را نشان می‌داد. چنانکه نخستین نمود آشکار این تفاوت‌ها را منتقدان ادبی در رمان مشهور و پیشگام سروانتس، «دن کیشوت» جست و جو کردند؛ آنگاه که دن کیشوت در دورانی که دیگر حضور هیچ شوالیه‌ای را بر نمی‌تافت زره بر تن می‌کند و با پاد روزگاران گذشته حُرکتی نه در خور دنیای تازه که مربوط به گذشته‌ای پست سر نهاده را می‌آغازد - طنزی ظریف نیز در دل این ماجرا رقم می‌خورد - به خوبی می‌توان دریافت که دنیا و آدمیان در حال گذاری پر شتاب به دورانی تازه‌اند.

شیکه‌های رادیویی - که گویا دستی حتی از دور هم بر این گستره اطلاعات نیافته‌اند - توصیفاتی کهنه و مستعمل از درخت و گل و احساس و بایدها و نبایدها و آنچه انسان باید بداند و آنچه نباید و... می‌شنویم که شگفتی ما را از نوعی دیگر برمی‌انگیزد!

در نظریه ارتباطی جدید، کارشناسان بر این عقیده‌اند که هر گونه افزایش اطلاعات به کاهش ارتباط منجر می‌شود، زیرا نمی‌توان همه آنچه را که به صورت فشرده گفته می‌شود جذب کرد. به همین دلیل انتقال فشرده اطلاعات که لازمه صرفه‌جویی در زمان است از سوی دیگر خطر کاهش یا قطع ارتباط را نیز با خود به همراه دارد. با این وصف بیم آن می‌رود که در آینده‌ای نه-چندان دور ما تاگزیر چنان موجز و فشرده سخن بگوییم که هیچ کس از پس فهم گفته‌های دیگری برنیاید. اما به راستی چه باید کرد؟ آیا لازم نیست در کنار بسیاری مهارت‌های دیگر که ما در طول زمان آموخته‌ایم و می‌آموزیم با شناخت هر چه بیشتر و بهتر زبان و نمونه‌های عالی گفتار یا نوشتار، بگوئیم متناسب با دنیای امروز بنویسیم و بگوییم و موانعی را که بر سر راه ایجاد ارتباط به وجود می‌آید از میان برداریم؟

زبان‌شناسان در بررسی تاریخ زبان بر این عقیده‌اند که هر چه از آغازین زمان پیدایی زبان‌ها فاصله می‌گیریم واژه‌ها از معانی اولیه خود دور می‌شوند و به صورت ابزارهای ارتباطی صرف درمی‌آیند و به سخن دیگر جان و روح و زندگی خود را از دست می‌دهند. به گونه‌ای که امروزه همگی ما با واژگانی سخن می‌گوییم که سالهاست مرده‌اند و اکنون فقط وسیله‌هایی ساده برای ارتباطند.

جایگاهی که هنوز هم در آن می‌توان از دنیای زنده واژه‌ها

وجودی تکه تکه و پراکنده، هر لحظه خود را در رویارویی با دنیایی از اطلاعات و اخبار تازه حس می‌کند. دنیای امروز به حدی با اطلاعات آمیخته شده که به زحمت می‌توان در آن گوشه‌های به دور از غوغای این انبوه تازه‌ها یافت.

رسانه‌های گروهی بی‌شک یکی از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که انسان‌های جوامع امروز از آنها برای برقراری ارتباط، آن هم از نوع زنده و در لحظه، با گوشه گوشه دنیای خود استفاده می‌کنند. رسانه‌ای که در این بحث به آن می‌پردازیم و محیطه گسترش آن نیز بسیار گسترده است رادیو می‌باشد.

رادیو در کشور ما، ایران، به تعدادی شبکه که راه تخصصی شدن را می‌یابد در تمامی ساعات و لحظه‌ها در حال انتقال اطلاعات و اخبار و ایجاد ارتباط با مخاطبان است. چنانکه اگر در طول یک شبانه روز شنونده برنامه‌های یکی از این شبکه‌های رادیویی باشیم متوجه خواهیم شد که انواع اطلاعات از نوع اخبار، مباحث اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، آموزشی، علمی، بهداشتی و غیره را در اختیار شنونده‌های خود قرار می‌دهد. همین روال در شبکه‌های دیگر نیز تکرار می‌شود و به این ترتیب فقط با اندکی تأمل و چرخاندن موج رادیو تنها به مدت چند ثانیه، در خواهیم یافت که در هر گوشه‌ای از این دنیای امواج اطلاعاتی از جنس تازه و کهنه، در حال پخش و انتقال است. اما به راستی انسان آشفته و گرفتار دنیای امروز تا چه حد می‌تواند همه اینها را در خود جذب کند و رادیو در امر ایجاد ارتباط با مخاطبان خود تا چه حد موفق بوده است؟

پیش از آغاز این بحث باید اشاره‌ای کنیم به آنچه از انفجار اطلاعات در دنیای امروز یاد شد. باز هم گاه و بیگاه، از برخی

هر گونه افزایش اطلاعات به کاهش ارتباط منجر می‌شود زیرا نمی‌توان همه آنچه را که به صورت فشرده گفته می‌شود جذب کرد. به همین دلیل انتقال فشرده اطلاعات که لازمه صرفه‌جویی در زمان است از سوی دیگر خطر کاهش یا قطع ارتباط را نیز با خود به همراه دارد



در زبان اخبار به دلیل حساسیت بر انگیزی های ویژه و نیز مسائل سیاسی، کاربرد زبان صحیح و حساب شده، اهمیت بسیاری دارد. و در تنظیم خلاصه خبرها، فشرده نویسی ماهرانه کاربرد ویژه ای می باید. به این ترتیب ناگزیر باید زبان را دیوار به ویژه در حیطه اخبار، غنی تر کرد



باز گردیم، می بینیم که در شعر یا مثنی ادبی، بسیاری از واژه ها، به خصوص واژه های مهم تر و کلیدی، با همه وجود فعال اند. شاعر هنرمند در شعر خود، واژه ها را در چنان شرایطی قرار می دهد که زیر فشار شدید واژه های اطراف، بیشترین نیرو و توان خود را نشان دهد و بگوید همه استعداد های معنایی و تأثیر گذاری خود را بروز دهد.

این که واژه ها می توانند در شعر به حد اعلا ی کارکرد خود برسند بیش از هر چیز به سبب وجود فضایی است که شاعر با بهره گیری از واژه های دیگر می آفریند. مهم، انتخاب واژه گانی است که در کنار هم قرار گرفته اند. این واژه ها در کنار هم می نزنند قدرت خود را نشان دهند، درست مثل مهرانی که حافظ در

این بیت خود نشان داده است:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
بافم از کشته خورش آمد و هنگام دروه

که با رعایت تناسب میان واژگان، مزرع سبز، داس، کشته، دروه و نیز، فلک و ماه، فضای زنده و متغیو خلق کرده است که در آن، واژه ها با تأثیری شگرف، به گوش جان انسان می نیشند. این آرایه واحد ادبی کلاسیک، قلمی، مرامات الظیر، می نامند. گذشته از تناسب ها، تضادها و تناقض ها نیز به سوجسبه نمایشی واژگان در شعر بیاری می رسانند و زمینه روح بخشی را برای نام ها و واژه های مرده فراهم می آورند.

مثال برای تضاد:

هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم
هر که یاد روی تو کردم جوان شدم

مثال برای تناقض:

«کی شود این روان من ساکن
این چنین ساکن روان که منم»

سراغ و نشانه ای به دست آورد به گمان بسیاری از منتقدان ادبی، دنیای شعر و آثار هنری است. شاعران همواره با کاربرد متفاوت واژگان، قدرت جادویی زبان زنده و پرشور را به نمایش گذاشته اند. قدرتی که توانسته است در تمامی تاریخ، آدمیان را از گونه ها و انواع مختلف، حتی گردن کشان و جاتیان راه در زیر چنگال تأثیر شگرف خود بگیرد.

یکی از مهم ترین ویژگی های سخن و بیان ادبی و شاعرانه، که می تواند در حل مشکل ارتباطی دنیای امروز نیز راهگشا باشد، این است که متن شاعرانه در مجالی اندک، ابیوهی از معنا و منتقل می کند، چنانکه مثلاً در ابیات مثنوی معنوی گاه در شرح هر بیت، فصل ها پرداخته اند. پس بیان هنری و شاعرانه از نظر معنایی اشباع شده است و اطلاعاتی فشرده تر از انواع دیگر سخن عرضه می دارد. اما این اشباع شدگی و فشرده بودن اطلاعات در مجال کوتاه و اندک، هرگز در راه ارتباط میان هنرمند و مخاطب وی اخلال ایجاد نمی کند. شعر در عین حال که کمترین حشو را دارد نسبت به کلیه صورت های دیگر زبانی مجموعه غنی تری از پیام ها را تولید می کند.

اما علت این امر را در کجا باید جست و جو کرد؟ منتقدان ادبی این باره عقیده دارند که شعر به دلیل ساز ماندگی درونی بی همتایی که دارد توانسته است از امکانات زبان به حد کمال استفاده کند.

متن شاعرانه از دیدگاه لوشمان نظام نظام ها یا در ابطنه رابطه - هاست، پیچیده ترین شکل قابل تصور، سخن است که چندین نظام مختلف را در هم فشرده می کند، این نظام ها هر کدام تنش - ها، توترانی ها، تکرار ها و تقابلی های ویژه خود را دارند و هر یک از آنها همواره، می کوشد نظام های دیگر را در گون کند.

اکنون پس از طرح این مباحث، اگر دیگر بار به دنیای شعر

که در همه این موارد، واژه‌ها، ساختاری ویژه‌ی شعر بخشیده‌اند. به گفته منتقدان، شعر، «دال» را به تمامی فعال می‌کند و آنچه ما از متن درک می‌کنیم فقط با تضادها و تفاوت‌ها درک می‌شود. اگر در سخن شاعرانه واژه‌ای داشته باشیم که با واژگان دیگر هیچ رابطه اتفرافی نداشته باشد، چنین واژه‌ای در عرصه سخن ناپیدا باقی خواهد ماند. در شعر حتی کمیود یا نبود برخی تمهیدات هم می‌تواند به خلق معنایی تازه منجر شود. به این ترتیب حتی اگر انتظاری را در خواننده شعر ایجاد کنیم و در پایان، این انتظار را برآورده نسازیم باز هم موفق به ایجاد بستری متفاوت شده‌ایم که بر تک تک واژگان ما تأثیر خواهد گذاشت.

جایگاهی که هنوز هم در آن می‌توان از دنیای زنده واژه‌ها سراغ و نشانه‌ای به دست آورد به گمان بسیاری از منتقدان ادیب، دنیای شعر و آثار هنری است

اثر ادبی را در واقع می‌توان پیوستاری از پذیرد آوردن و در هم شکستن انتظارات، برخورد متقابل و پیچیده قانون و تضاد، هنجارها و انحراف‌ها از انگاره‌های متداول و آشنای زبانی‌های نمایشی دانست. به بیان دیگر اثر هنری فقط در مقابل زمینه‌گلی تری از دلالت‌ها و فقط به عنوان «انحرافی» منظم از یک هنجار زبانی است. لومنان در کتاب‌های «ساختار متن هنری» و «تحلیل متن شاعرانه»، متن شاعرانه را نظام طبقه‌بندی شده‌ای می‌داند که معنی در آن فقط مقوله‌ای مربوط به متن است و زیر سیطره مجموعه‌ای از تشابه‌ها و تقابلهای مکرر دارد. تفاوت‌ها و نوازی‌های موجود در متن، نسبی‌اند و فقط در رابطه با یکدیگر درک می‌شوند. در شعر فقط ماهیت دال و انگاره‌های صدایی و وزن است که با علائمی بر صفحه کاغذ ثبت می‌شود و مدلول را مشخص می‌کند. به این ترتیب، متن ادبی را باید نظامی چندگانه از تناسب‌ها با تضاد و تقابلهای واجی، نحوی یا وزنی و... دانست که بر روی هم بیان شاعرانه را به وجود می‌آورند.

ادیب و منتقدان از تشکلهای مختلف صدای جمهوری اسلامی ایران می‌شونیم، درمی‌یابیم که در برنامه‌های گوناگون رادیویی، از برنامه‌های زنده گرفته تا تلویزیونی، اخبار، آگهی‌های بازرگانی، نمایش نامه‌ها... یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بر سر راه ایجاد ارتباط قرار دارد نه در فشرده گویی بیش از حد، بلکه در زیاده‌گویی‌هایی باید جست‌وجو کرد که سبب هدر رفتن زمان و کاهش انتقال اطلاعات می‌گردد. بی‌شک اگر در برنامه‌های رادیویی عنصر زبان به صورت آگاهانه به کار گرفته می‌شود و نویسنده‌ها و گوینده‌ها به روح و جان این ابزار که در دست دارند، بیش از گذشته می‌اندیشیدند، با همین امکانات موجود

امکان انتقال اطلاعات بیشتری به مخاطبان فراهم می‌گشت. نمونه‌های هدر دادن وقت و تکرارهای بی‌مورد کاربرد زبان در حد بسیار ابتدایی و ضعیف در شبکه‌های گوناگون رادیویی ما بسیار زیاد است. مثلاً گوینده برنامه‌ای برای معرفی بخش بعدی برنامه که بخش ورزشی است - و نیز برکردن دقایقی از وقت باقی مانده - چنین مقدمه‌ای آورده است:

«درسته که امروز جمعیت و تعطیل، اما برای یک سری امور تعطیل نیست؛ یعنی یک سری کارهاست که تعطیل نمی‌شه یکی از این کارها ورزشه شما فکر می‌کنید اونهایی که اهل ورزشند، اونهایی که ورزش می‌کنند، اونهایی که ورزشکارند، روزهای جمعه ورزش نمی‌کنند؟»

اینه که پس بدویند برای ورزش هیچ وقت نباید تعطیلی تصور کرد. اینو گفتیم برای پنجره بعد از پیام‌های بازرگانی. (رادیو جوان، جمعه، ۱۹/۱۰/۷۵، ۱۳:۴۲، ساعت ۷:۱۵)

این مثال تنها نمونه‌ای بود از موارد بسیار این چنینی که از تمامی شبکه‌های رادیویی به کرات می‌توان شنید. در صورتی که همه اطلاعاتی را که این گوینده با این چند جمله به بیان درآورده است می‌توان در جملاتی کمتر و کوتاه‌تر و زیباتر گفت و وقت را هم هدر نداده، نکته جالب توجه این است که چنین روش کاربرد زبانی حتی در پیام‌های بازرگانی هم وجود دارد؛ این که دست‌کم، عنصر زمان در مقرون به صرفه بودن این پیام‌ها اهمیت بسیاری دارد. گاه در برخی پیام‌های بازرگانی، به دلیل کاربرد نادرست زبان، هم زمان زیادی گرفته می‌شود و هم تأثیر کمتر و حتی گاه تأثیرات منفی - بر جای می‌گذارد.

مشکله بسیار مهم دیگر، زبان اخبار است. در زبان اخبار به دلیل حساسیت‌های ویژه و نیز مسائل سیاسی، کاربرد زبان صحیح و حساب‌شده، اهمیت بسیاری دارد. همچنین در تنظیم خلاصه خبرها، فشرده‌نویسی ماهرانه کاربرد ویژه‌ای می‌یابد. به این ترتیب ناگزیر باید زبان رادیو را به ویژه در حیطه اخبار، غنی‌تر کرد.

چنان‌که پیشتر ذکر شد زبان شعری و بیان ادبی و هنرمندانه، فشرده‌ترین و مؤثرترین نوع زبان است که به ویژه در دنیای اقتضای اطلاعات بیش از همیشه مورد توجه قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی در حیطه معنایی، از جمله استعاره، کنایه، در راه فشرده‌گویی و ایجاز، بسیار به کار می‌آیند. مجاز آرایه‌ای است که می‌توان از آن برای ایجاد تأثیر غیرمستقیم استفاده کرد. آرایه‌های زبانی در این راستا به کار می‌آیند تا تأثیر موسیقایی کلام را بیشتر کنند و در شنیدن آن بیفزایند. برخی از این مهارت‌های شاعرانه، اگر در متون و گفتارهای رادیویی به کار گرفته شوند بی‌شک می‌توان امیدوار بود که زبان رادیو توانمندتر از همیشه قدرت برقراری ارتباطی مفیدتر و تأثیرگذارتر را با مخاطبان خویش به دست می‌آورد. این آرمان، با پژوهش‌ها و آموزش‌های پیگیر، چندان هم دور از دسترس نخواهد بود.